

دکتر علی اصغر حاتمی *

محمد وحید ذاکری **

تجدید اعتبار «مرور زمان» در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

چکیده: انگیزه نویسندگان این مقاله بیان جایگاه فعلی «مرور زمان» در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران است که جهت تبیین این هدف کوشیده‌اند تا تعریفی از این پدیده به دست داده و ضمن بیان اقسام مرور زمان در نظامهای حقوقی برجسته معاصر انواعی از آن که در نظام حقوقی ایران پذیرفته شده مشخص و با اشاره‌ای کوتاه به سرگذشت تحلیلی جالب آن در سیر قانونگذاری بعد از انقلاب، نقطه نظر حقوقدانان و فقهاء عظام را به اختصار بیان دارند و از این طریق به فرضیات مطروحه شامل: ۱. پذیرش عام الشمول پدیده مرور زمان در حقوق کشورها ۲. مقبولیت این تأسیس در نظام حقوقی ایران قبل از انقلاب ۳. بی‌مهری فقهاء نسبت به پذیرش آن در نظام حقوقی اسلام ۴. نهایتاً اثبات ضرورت پذیرش آن و بروز اختلالات بسیار در نظام مبادلات و قراردادهای در صورت طرد این تأسیس از نظام حقوقی کشور به‌ویژه در بعد روابط بین‌المللی را مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار دهند و در پایان به نتیجه‌گیری بپردازند.

روش این تحقیق میدانی و کتابخانه‌ای و متکی بر اطلاعات گرد آمده از متون فقهی و تألیفات حقوقی و یا نرم‌افزارهای رایانه‌ای و بعضاً مصاحبه و مشاوره با مدرسین برجسته حوزه‌های علمیه و دانشگاهی است. و مباحث اصلی این نوشتار شامل موارد زیر است،

که در نهایت منجر به تدوین مبحث پایانی یا یافته‌های تحقیق گردیده که به میزان قابل توجهی حاوی مباحث اصلی این مقاله می‌باشد.

۱. کلیات؛

۲. سرگذشت موضوع؛

۳. تجزیه و تحلیل موضوع و طرح پیشنهادهایی در زمینه موضوع؛

۴. طرح یافته‌ها یا نتیجه‌گیری.

فصل اول. کلیات

مفهوم مرور زمان

«مرور زمان»^۱ یا گذر زمان را در فقه «تقادم الزمان» گویند. مرور زمان برابر ماده ۷۳۱ قانون آئین دادرسی مدنی سابق: «گذشتن مدتی است که به موجب قانون پس از انقضاء آن مدت، دعوی شنیده نمی‌شود.» و در امور کیفری «گذشتن مدتی است که به موجب قانون پس از انقضای آن مدت تعقیب جرم و یا اجرای حکم قطعی کیفری موقوف می‌شود.»^(۱) به نظر می‌رسد مرور زمان در آیین دادرسی کشور ما از قانون مدنی فرانسه اقتباس گردیده ولی دو ویژگی مسقط حق^۲ و مملک بودن^۳ در آن نیامده است و در تنظیم آن سعی شده به گونه‌ای باشد که مخالفت آشکاری با اصول و موازین شرعی نداشته باشد. از این رو چون فقط مرور زمان مسقط دعوی^۴ در کشور ما پذیرفته شده، می‌توان گفت از این جهت به قانون سوئیس شباهت دارد»^(۲)

در ماده ۲۲۱۹ قانون مدنی فرانسه آمده است: «مرور زمان وسیله تملک یا برائت ذمه است، بر اثر گذشتن مدتی به شرایطی که قانون معین کرده است.»^(۳) البته در مواد ۷۱۲ و ۱۲۳۴ و پاره‌ای مواد دیگر قانون مدنی آن کشور درباره این دو ویژگی توضیحات بیشتری آورده شده است.

1. Prescription.

2. Prescription extinctive ou prescription liberatoire.

اقسام مرور زمان

به منظور امکان طرح ویژگیهای حقوقی مرور زمان اقسام آن را به اختصار مرور می‌کنیم. مرور زمان به اقسام زیر منقسم می‌گردد.

۱. مرور زمان مملک - که سببی است جهت تحصیل مالکیت برای متصرف مالی که در اصل متعلق به دیگران بوده و مالک یا مالکین آنها ظرف مدت مدیدی در مقام مطالبه یا اعمال حقوق خود نسبت به آنها برنیامده‌اند. نویسندگان این قسم از مرور زمان را جزء اسباب تملک محسوب می‌دارند. (۴) در حقوق مدنی فرانسه مرور زمان مملک یکی از مبانی اساسی مالکیت در اموال غیرمنقول بوده و استحکام آن از معاملات بیشتر است. بدین توضیح که مثلاً در عقد بیع معامله واقع نمی‌شود، مگر با مالک حقیقی و حال چنانچه بر ایادی متعاقب فسادی مترتب باشد نسبت به خریدار هم مؤثر است و صرفاً وجود سند معامله در دست خریدار مثبت مالکیت او نمی‌شود «اما اگر ثابت شود که شخصی ملکی را متصرف بوده و مجموع مدت تصرف او و ناقلین او مساوی یا بیش از مدتی است که قانون مقرر داشته این تصرف متمادی مدرکی است که او را در مقابل هرگونه ادعای اشخاص ثالث حفظ می‌کند. پس مرور زمان یک مستند مستقلی است که اعتبارش بیش از سند انتقالات بوده و از خدشه‌ای که به این نوشتجات می‌توان کرد مصون است.» (۵) مرور زمان مملک دامنه وسیعی ندارد، زیرا تنها در قلمرو حقوق عینی تحقق می‌یابد به نحوی که حق مالکیت یا حق انتفاع و یا حق ارتفاق را در بر می‌گیرد، همچنانکه این نوع از مرور زمان عمدتاً در اموال غیرمنقول جریان می‌یابد.

۲. مرور زمان مسقط حق - سببی است جهت سقوط تعهد و آزاد شدن ذمه متعهد در برابر طلبکاری که ظرف مدت مدیدی اجرای تعهد را از بدهکار درخواست نکرده است. مصداقی که از مرور زمان مسقط حق در قانون مدنی فرانسه وجود دارد مبتنی بر اماره پرداخت دین است و تحت عنوان «مرور زمانهای استثنائی» معرفی شده و مقررات آن در مواد ۲۲۷۱ الی ۲۲۸۱ کدام این قانون ذکر گردیده و مربوط به تعهداتی است که معمولاً در مراودات متعارف مردم ظرف مدت کمی ایفا می‌گردد و برای آنها سندی

تظنن می‌شود، مانند مرور زمان شش ماهه مربوط به تعهدات ناشی از اجاره و...

قانون مدنی فرانسه، این دسته از مرور زمانها به وسیله سوگند اثر خود را از دست می‌دهد، یعنی بستانکاری که طلب او مشمول مرور زمان گردیده می‌تواند از طرف خود مطالبه قسم نماید و در صورت امتناع او از اتیان سوگند و یا رد آن، بالمآل مرور زمان ساقط و با سوگند خواهان، حق او ثابت می‌گردد.

مرور زمان مسقط حق برخلاف مرور زمان مملک در کلیه حقوق و کلیه اموال اعم از منقول و غیر منقول به طور یکسان جریان می‌یابد.

۳. مرور زمان مسقط دعوی - در کشور ما با در نظر گرفتن تعریفی که ماده ۷۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی از مرور زمان به عمل آورده و با عنایت به سایر مقررات مربوطه نمی‌توان مرور زمان را مملک یا مسقط حق و تعهد به حساب آورد، بلکه باید آن را فقط وسیله‌ای در دست خواننده برای اسقاط دعوی خواهان و جلوگیری از استماع آن دانست. به همین جهت در قانون مدنی ایران برخلاف قانون مدنی فرانسه، ذکری از مرور زمان به عمل نیامده و مقررات مربوط به آن فقط در قانون آیین دادرسی مدنی که حاوی مقررات شکلی برای رسیدگی است، انعکاس یافته است. (۶) بین مرور زمان مملک و مرور زمان مسقط حق یا تعهد یا مرور زمان مسقط دعوی یک اختلاف اساسی یا بنیانی وجود دارد و آن اینکه مبنا در مرور زمان مسقط حق و تعهد و مرور زمان مملک، اماره اعراض از حق و یا ابراء است در حالی که مبنا در مرور زمان مسقط دعوی، نظم عمومی است. (۷)

قلمرو بحث مرور زمان

شک نیست که ظرف زمان منشأ تأثیراتی در عالم حقوق است که فقها همانند حقوقدانان نه تنها منکر آن نشده‌اند بلکه نقش تعیین‌کننده‌ای برای آن در رابطه با حقوق اشخاص قائل‌اند. تأثیر عده در طلاق یا وفات همسر که با گذشت آن تعهدات طرفین نسبت به ثمره نکاح پایان می‌پذیرد، از این مقوله است. همچنانکه گذشت زمان معین جهت امکان الحاق طفل به شوهر، یا سپری شدن مدت معین جهت ایجاد حفظ فسخ در

شود، اگرچه برخی از نویسندگان (۸) این‌گونه موارد را مؤید اثبات مرور زمان دانسته‌اند. البته بین زمان یا مواعد قانونی در معنای فوق و مرور زمان تفاوت‌های بسیاری است که اهم این تفاوتها عبارت اند از:

۱. به لحاظ ماهیت حقوقی: اصولاً مرور زمان در مفهوم خاص به تنهایی سبب مملک یا مسقط حق و تعهد است و نیاز به تأثیر عامل دیگری ندارد، در حالی که گذر زمان به تنهایی چنین خاصیتی را ندارد و فقط مهلتی است برای اجرای حق.

۲. به لحاظ کاشف یا ناقل بودن حق: پدیده مرور زمان حاکی از انتقال کامل یک حق و یا انتقال ناقص و تبدیل آن به تعهد طبیعی است، در حالی که گذشت زمان در ظرف زمانی مباحث فوق کاشف از بقای حق سابق است و به هیچ وجه ناقل حق محسوب نمی‌گردد.

۳. به لحاظ اصل یا استثنائی بودن قاعده: پدیده مرور زمان یک استثناء بر اصل استصحاب بقای حق سابق است، در حالی که گذشت زمان موافق اصل بقای حق سابق است.

۴. به لحاظ نوع حق: پدیده مرور زمان در حقوق غیرمالی راه ندارد، در حالی که گذر زمان در حقوق مالی و غیرمالی به‌طور یکسان عنوان گردیده است.

نگرشی بر ماهیت حقوقی مرور زمان

در کشور فرانسه که مرور زمان را عاملی در سقوط حق یا تعهد و همچنین مملک می‌دانند می‌توان گفت که مرور زمان بی‌شبهت به یک واقعه حقوقی یعنی یک الزام حقوقی خارج از اراده نیست، همان‌گونه که در ماده ۱۲۳۴ قانون مدنی این کشور مرور زمان جزء موارد سقوط تعهدات به‌شمار آمده و یا در ماده ۲۲۱۹ جزء اسباب تملک شمرده شده است. مفهوم این گفته آن است که با تحقق مرور زمان موضوع حق یا دین بدون اراده و میل هر یک از طرفین به‌طور کامل و بدون اینکه در طول زمان نقصی در آن حاصل شود از یکی به دیگری منتقل می‌گردد و نتیجتاً اگر انتقال‌گیرنده به میل خود

بودن خود را از دست نمی‌دهد و مرور زمان تنها عنصر ضمانت اجراء را از آن می‌گیرد و به یک تعهد طبیعی تبدیل می‌گردد. (۹) بنابراین «... اگر متعهدله به میل خود آن را ایفاء نماید دعوی استرداد او مسموع نخواهد بود.» (۱۰)

فصل دوم. سابقه تاریخی

سابقه مرور زمان در تاریخ حقوق ایران

اگر چه بین حقوقدانان اختلافی نیست که مرور زمان در حقوق جدید متخذ از حقوق اروپاست که آن هم از حقوق رم اقتباس گردیده (۱۱) لکن اسناد مهم تاریخی چنین حکایت دارد که از دیرگاه پدیده مرور زمان، مورد توجه حاکمان مشرق زمین بوده است (۱۲) به وجهی که در فرامین پادشاهان و فرامانروایان نمودهای روشنی از پدیده مرور زمان به‌عنوان سببی جهت متوقف کردن دعاوی مشمول گذشت زمان به چشم می‌خورد که ذیلاً به ذکر چند سند تاریخی بسنده می‌کنیم:

۱. یرلیغ (فرمان) سلطان محمود غازان در باب مرور زمان مسقط دعوی. در این سند ارزشمند که از دیدگاه تاریخ حقوق بسیار حائز اهمیت است بالحنی تحکم‌آمیز از قضات خواسته شده است تا جهت حفظ حقوق اجتماع. ادعای مدعیانی که سی سال سکوت کرده و مطالبه‌ای ننموده باشند شنیده نشود. از متن سند چنین بر می‌آید که مفاد فرمان با احکام و مقررات شرع تطبیق داده شده است و نسبت به اموال منقول غیر منقول به‌طور یکسان اعمال می‌شده است. (۱۳)

۲. به فرمان سلطان محمود غازان در یرلیغ، منصب قضا از قیود و شروطی که متعارف و معهود است مذکور بود که باید قاضی را هیچ آفریده از حکام، امراء و وزراء به خانه خود نطلبند و همه کس جهت فیصل قضایا به دارالقضاء رود و قاضی به هیچ علت و بهانه از مردم چیزی نگیرد و هرگاه حجتی نویسد قباله کهنه را در طاس عدل بشوید و ایضاً قباله‌ای که تاریخ کتابت آن سی سال زیاده باشد هم در آن طاس نابود گرداند.

۳. چون همگی همت ما بر این است که امور جمهور بر نهج عدالت فیصل پذیرد و

بر وجهی که مقتضی شریعت غرا باشد و از شوائب تزویر و مدانه معری بود امعان نظر کنند و قبالات را که مدت سی سال دعوی نکرده باشند مروری آن را دستور ساخته خواهد کرد که به حمایت قوی دستی مدعای باطل خود را به ثبوت رسانده اصلاً مسموع ندارند و مدافعه آن قنمیه نکنند و هیچ آفریده را مجال تمرد ندهند و اگر یکی از اهل اقتدار از ایشان الحاح فرماید و از مقتضای رفیع تجاوز نماید کیفیت عرضه داشته کند تا بر وجهی او را سیاست فرمائیم که موجب عبرت عالمین گردد و سوادها نزد جمیع قضات ممالک فرستاده و از تمامی قضات وثیقه و مهر ایشان گرفته که اگر دعاوی سی ساله مرافعه کنند مستحق تعزیر و تأدیب و مستوجب عزل باشند. (۱۴)

۴. پس از دوره ملکشاه سلجوقی مسأله طرح دعاوی کهنه مربوط به اسناد قدیمی مشکلاتی را باعث می شد و مالکیت‌های مسلم را سست می نمود. ملکشاه با هدایت خواجه نظام‌الملک دستورالعملی برای قضات صادر کرد که از قبول دعاوی کهنه امتناع ورزند و به‌طور کلی هرگونه سند و دعوایی را که سی سال از آغاز تاریخ آن می‌گذشت در محضر قاضی غیر قابل قبول شمارند. (۱۵)

سرگذشت تحلیلی مرور زمان در حقوق ایران

روند وضع و عمل به قواعد مرور زمان در نظام حقوقی ایران همواره با تنشهایی همراه بوده است که این روند در دو مرحله تاریخی قبل و بعد از انقلاب اسلامی به‌طور جداگانه بررسی می‌شود.

الف. قبل از انقلاب

اصطلاح «مرور زمان» اولین بار در ماده سوم قانون راجع به مرور زمان غیرمنقول مصوب ۲۱ بهمن ماه ۱۳۰۶ به کار گرفته شد. (۱۶) در ماده ۳ این قانون که به دنبال تصمیم دولت وقت به ثبت اجباری املاک در کشور و حل مشکلات ناشی از طرح دعاوی بی‌پایه و قدیمی تصویب شد آمده است: «مدت مرور زمان نسبت به قبل از تصویب این قانون از

تا، بخ منشأ دعه، حها سال شمس است...

مشرع گردید، اما ظاهراً بیانات مرحوم سیدحسن مدرس آنان را قانع ساخت. دفاع مرحوم مدرس به طرز جالبی از این لایحه صورت گرفت که خلاصه آن چنین است: «ما که اساساً به عقیده اسلامی خودمان این محاکم عرفی دولتی را خلاف شرع و برای رسیدگی و مداخله در هیچ دعوی صالح نمی دانیم با این حال وقتی خود آنها حاضر شده اند که در یک قسمت از دعاوی (تحت عنوان مرور زمان) مداخله نکنند و صلاحیت خود را محدود نمایند دلیل ندارد ما مخالفت کنیم» (۱۷)

دو سال بعد به موجب قانون ۱۳۰۸ قاعده مرور زمان تعمیم یافت و شامل اموال منقول نیز گردید. سپس در سالهای ۱۳۱۰ و ۱۳۱۲ اصلاحاتی در آن به عمل آمد تا اینکه بالاخره در سال ۱۳۱۸ با جمع بندی تجاری که در نتیجه اجرای این قوانین به وجود آمده بود، مرور زمان باب مستقل و جامعی را در قانون آیین دادرسی مدنی تحت عنوان باب یازدهم به خود اختصاص داد که این مقررات تا پس از انقلاب اسلامی در محاکم مجری بود. در طول چهار سال پس از انقلاب اسلامی یعنی تا سال ۱۳۶۱ نیز مصوبات شورای انقلاب در مورد لایحه قانونی تشکیل دادگاههای عمومی و لایحه تشکیل دادگاههای مدنی خاص در تعیین مهلت برای تجدیدنظر آراء و اصلاح ماده ۲۸۶ و ۲۸۷ قانون تجارت در افزایش مرور زمان دعوی اسناد تجاری نشانگر پذیرش این پدیده از سوی نهادی است که فقهای بنامی مانند بهشتی و مطهری در آن شرکت داشتند.

ب. بعد از انقلاب اسلامی (از سال ۱۳۶۱)

اولین برخورد با پدیده مرور زمان را می توان از سوی فقهای شورای نگهبان دانست. نظرات آن شورا حول چهار موضوع قابل تفکیک است: مرور زمان دعاوی کیفری، دعاوی حقوقی، تجدیدنظرخواهی، و دعاوی تجاری (۱۸). ذیلاً به اختصار و به تفکیک موارد چهارگانه مذکور را بررسی می کنیم.

۱. نظریات شورای نگهبان در دعاوی کیفری

مرور زمان دعاوی کیفری است. (۱۹) در این نظریه که به عنوان شورایعالی قضایی صادر گردیده آمده است: «عطف به نامه شماره ۱/۲۶۵۳۳ مورخ ۱۳۶۰/۹/۱۸ و پیرو نامه شماره ۴۰۵۹ مورخ ۱۳۶۰/۱۱/۱۵ دایر بر ابطال مواد متعددی از قانون مجازات عمومی، اینک مواد دیگری از قانون مجازات عمومی و قانون مدنی را که در جلسه فقهای شورای نگهبان مورخ ۱۳۶۱/۶/۱ مطرح و مورد بحث قرار گرفته و با اکثریت آراء فقهاء شورا طبق اصل چهارم قانون اساسی مخالف موازین شرع شناخته شده ذیلاً به اطلاع می‌رساند: مواد ۵۰-۵۱-۵۲-۵۳-۵۴ قانون مجازات عمومی و ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی...» (۲۰) البته بعدها اطلاق این نظریه به موجب نظریه مورخه ۶۱/۱۲/۱۶ در پاسخ سؤال دیوان عدالت اداری و نظریه سال ۶۳ در پاسخ به سؤال مورخه ۶۳/۸/۲۲ دادستان انتظامی قضات بدین نحو تعدیل شده است:

نظریه سال ۱۳۶۱:

«با توجه به اینکه آیین‌نامه انتظامی نظام پزشکی در مورد تخلف پزشکان حکومت دارد نه جرائم و امور حقوقی آنان، و این آیین‌نامه برای حفظ نظم در جامعه تنظیم شده است، علیهذا شمول مرور زمان نسبت به تخلفاتی که در آیین‌نامه مزبور مذکور است مخالفتی با موازین شرعی ندارد. بدیهی است در صورتی که حقوقی از افراد تضییع شده باشد در محاکم دادگستری قابل رسیدگی است.» (۲۱)

نظریه سال ۱۳۶۳:

«اعتبار مرور زمان در تخلفات انتظامی که جنبه تخلف شرعی ندارد مغایر با موازین شرعی نیست ولی در تخلفات شرعی احکام سایر جرایم را دارد که در غیر حدود پس از مرور زمان معین نیز امر تعقیب و عدم تعقیب آن با حاکم شرع است. و در اموری که ضمان مالی و جنبه حقوقی دارد احکام شرعی خود بر آن مترتب می‌شود.» (۲۲)

بدین ترتیب فقهای محترم شورای نگهبان نه تنها به صراحت مرور زمان را در تعقیب انتظامی پذیرفته‌اند بلکه در ضمن پاسخ، مرور زمان دعاوی کیفری در غیر حدود نیز پذیرفته شده است. بعد از این تاریخ نظریات اداره حقوقی دادگستری نیز بر همین مبنا

تازه‌ترین تحولات در زمینه مرور زمان در قوانین کیفری تصویب مواد ۱۷۳ تا ۱۷۶ در ضمن قانون آزمایشی آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری است که در تاریخ ۱۳۷۸/۶/۲۸ به تصویب کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی رسیده و مجلس اجرای آن را به مدت سه سال تصویب نموده است. این قانون در روزنامه رسمی شماره ۱۵۹۱۱ مورخ ۷۸/۷/۱۸ درج و از تاریخ ۷۸/۸/۵ در محاکم به موقع اجرا گذاشته شده است.

بحث محوری مطروحه در موارد مذکور عبارت است از پیش‌بینی حد نصابهای زمانی مختلف جهت شمول مرور زمان نسبت به مجازاتهای بازدارنده یا اقدامات تأمینی و تربیتی براساس این مواد:

اولاً. جرائمی که مجازات آنها بیش از سه سال حبس یا جزای نقدی بیش از یک میلیون ریال باشد، پس از ده سال.

ثانیاً. جرائمی که مجازات آنها کمتر از سه سال حبس یا جزای نقدی کمتر از یک میلیون ریال باشد، پس از پنج سال.

ثالثاً. سایر جرائم که مجازات آنها غیر از حبس و جزای نقدی است، با انقضاء سه سال از تاریخ وقوع جرم چنانچه تقاضای تعقیب نشده یا تعقیب آنها موقوف شده باشد مشمول مرور زمان می‌گردد.

مرور زمانهای فوق شامل احکام قطعی که اجرای آنها در مدتهای فوق به عقب افتد نیز می‌گردد.

احکام مندرج در مواد چهارگانه فوق علی‌رغم نواقصی که از جهت فن قانون‌نویسی از یک طرح و عدم شمول به بعضی مصادیق که در قوانین گذشته مطرح بود دارد، روی هم رفته بازگستی است به اصول پذیرفته شده در قوانین آ.د.م. و آ.د.ک. سابق و پذیرش واقعیتی احترازناپذیر که مدتی مورد بی‌عنایتی شواری محترم نگهبان و مراجع قانونگذاری قرار داشت.

۲. نظریات شورای نگهبان در دعاوی حقوقی

شورا در مورد سؤال مورخه ۶۱/۱۰/۲۷ شورای عالی قضایی بدین نحو که: «آیا سماع دعوی طلب و دین در دادگاه با توجه به ماده ۷۳۱ و درباره مرور زمان از قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۱۲ از قانون آیین دادرسی کیفری مخالف با موازین شرع است یا خیر؟» در نظریه ۷۲۵۷ مورخه ۶۱/۱۱/۲۷ این گونه پاسخ می دهند: «مواد ۷۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی به بعد در مورد مرور زمان در جلسه فقهاء شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و به نظر اکثریت فقهای شورا، مواد مزبور که مقرر می دارد پس از گذشتن مدتی (ده سال - بیست سال - سه سال - یک سال و غیره) دعوی در دادگاه شنیده نمی شود، مخالف با موازین شرع تشخیص داده شد.» (۲۴)

در یک مورد شورای نگهبان از نظریه خود درباره مرور زمان دعاوی حقوقی بیگانگان عدول نموده است. شورا در پاسخ نامه شماره ۷۳۱۱ مورخه ۱۳۷۱/۴/۲۵ رئیس جمهوری این گونه اظهار نظر می نماید: «... اطلاق نظریه شماره ۷۲۵۷ مورخه ۶۱/۱۱/۲۷ شورای نگهبان شامل دعاوی اشخاص حقیقی و یا حقوقی که در قوانین و مقررات کشورشان مرور زمان پذیرفته شده است نمی شود.» (۲۵) این نظریه اگرچه از لحاظ مباحث تعارض قوانین در حقوق بین الملل خصوصی قابل تحلیل و بررسی است ولی توجه به مصالح را نمی توان مؤثر در صدور این نظریه ندانست.

بدین ترتیب می توان گفت کلیه دعاوی حقوقی مشمول اظهار نظر شورای نگهبان می باشند، به استثنای دعاوی بیگانه علیه ایرانی و دعاوی تجاری که اگرچه حقوقی هستند ولی به لحاظ طبع و خصوصیت آنان باید از مطلق دعاوی حقوقی آنها را تفکیک و جداگانه از آن بحث نمود، به ترتیبی که خواهد آمد.

۳. مرور زمان در قوانین تجاری

مقرراتی که در قانون تجارت مشعر بر مرور زمان است بعد از انقلاب اسلامی صراحتاً دستخوش تغییر واقع نگردید و به جز مواردی نادر که به کمک فحوی دلیل و

دادنامه شماره ۵۱۵ مورخه ۱۳۷۰/۱۲/۱۴ در مورد دعوی علیه مؤسسه حمل و نقل سریع بار شیراز پس از ایراد مرور زمان خوانده این‌گونه اظهار نظر نموده است: «نظر به اینکه شورای نگهبان به شرح‌نامه شماره ۷۲۵۷-۶۱/۱۱/۲۷ فقط مغایرت ماده ۷۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی به بعد در مورد مرور زمان را مخالف با موازین شرع تشخیص داده و در مورد ماده فوق‌الذکر [ماده ۳۹۳ قانون تجارت] نظری ابراز نکرده است با عنایت به اینکه تشخیص مغایرت یا عدم مغایرت قوانین با موازین شرعی با شورای نگهبان است و شواری مزبور در خصوص مغایرت ماده ۳۹۳ قانون تجارت با موازین شرعی نظری ابراز نکرده است مستنداً به ماده مزبور قرار عدم استماع دعوی صادر (می‌نماید)». این رأی به موجب دادنامه ۱۳/۴۸۵ به تأیید شعبه سیزدهم دیوانعالی کشور نیز رسیده است. این رویه به قدری کارساز افتاده که در پیش‌نویس قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب که اخیراً تقدیم مجلس شورای اسلامی گردیده و کلیات کتاب اول آن در آیین دادرسی مدنی در شور دوم نیز به تصویب رسیده، مرور زمان دعاوی تجاری مفهوماً پذیرفته شده است. در ماده ۸۴ آن در مبحث ایرادات و موانع دادرسی آمده: «در موارد زیر خوانده می‌تواند ضمن پاسخ نسبت به ماهیت دعوی ایراد کند: ... ۱۱. دعوی خارج از مواعد قانونی اقامه شده باشد.» با این وجود دلیل عمده بقاء مقررات مرور زمان در قوانین تجاری را می‌توان ناشی از دو امر زیر دانست. ۱. فلسفه اصلی و جهت غالب در تدوین و تصویب قوانین تجاری ایجاد اعتماد و اطمینان بین تجار و سرعت بخشیدن به چرخش عملیات تجاری است. این واقعیت علاوه بر انطباق با روش عقلاً مورد پذیرش فقهای بزرگ نیز بوده است.

حضرت امام خمینی قدس سره در پاسخ سؤالی به شرح زیر: «دولت در ضمن ثبت این مؤسسات [شرکتها و تجارتخانه‌ها] امتیازاتی برای آنها قائل شده و ضمناً علیه آنها شرطهایی نیز قرار می‌دهد و مثلاً قید می‌کند هر کس یا هر مؤسسه از این مقررات تخلف کند این مقدار بدهد یا یک ماه زندانی شود؛ یا اگر کسی چند ماه یا چند سال حق خود را از این مؤسسه تعقیب نکرد حق یا طلب او ساقط است این شرطها به نحو شرط فعل یا

ضمن عقود لازمه را دارد و شروط مذکوره در سؤال نافذ است.» (۲۶)

۴. سکوت فقهای شورای نگهبان در مورد مرور زمان دعاوی تجاری

اگرچه فقهای شورا در تاریخ ۶۱/۶/۱ به شورای عالی قضایی وقت اعلام می‌دارد: «... چنانچه شورای عالی قضایی نیز موادی را که مورد عمل و برخلاف موازین شرعی تشخیص می‌دهند برای بررسی و ابطال آن ارسال فرمایند...» (۲۷) لکن فقهای شورای نگهبان طی دو مصوبه اجرای قوانین را مادام که مخالفت آن از سوی فقهای شورا اعلام نشده باشد تجویز نمودند. (۲۸)

دلایل تأثیر مرور زمان

علی‌رغم تردیدهایی که بر مؤثر بودن مرور زمان در ایجاد یا زوال حق یا در اسقاط دعوی مطرح گردیده، دلایل متقنی بر تأثیر مرور زمان در امور مذکور وجود دارد که ذیلاً به شرح آن می‌پردازیم. به منظور امکان بررسی دقیق‌تر ادله مزبور آنها را به دو دسته مبانی عقلی و نقلی مرور زمان تقسیم و به‌طور جداگانه تشریح می‌نماییم.

مبانی عقلی تأثیر مرور زمان

به شرحی که در ابتدای این نوشتار گذشت مرور زمان به اعتبار ایجاد یا زوال اصل حق یا زوال ضمانت اجرای آن به سه دسته مشخص تقسیم می‌گردد که مبنای تأثیر اقسام سه‌گانه دارای تفاوت‌هایی است که در جای خود مورد بحث قرار گرفته است.

الف. مبانی تأثیر مرور زمان مسقط دعوی

مهمترین مبنای عقلی مرور زمان مسقط دعوی نظم عمومی است. تردیدی نیست که بها دادن به هر ادعای قدیمی و کهنه یا مستندات مغایر با وضع موجود موجب درگیر شدن محاکم در دعاوی قدیمی و بر باد رفته و متکی بر دلایل کمرنگ شده اثبات است.

بر این واقعیت اذعان نموده‌اند.

آنان نیز اعتبار بخشیدن به حقوقی که استغاده از آن به وسیله صاحب حق مدتهای طولانی متروک مانده و آن حق به وسیله دیگران مورد بهره‌برداری قرار گرفته را مخلاً نظم می‌دانند. به تعبیر یکی از نویسندگان، وظیفه حکومت در احقاق حقوق اشخاص همانند تأمین امنیت آنان اندازه‌ای دارد. عدم سماع دعوی (مشمول مرور زمان شده) خواهان، تنها جریمه کاهلی و تنبلی و نتیجه اقدام و عمل خود اوست. (۲۹)

بنابراین حفظ نظم عمومی چنین اقتضا دارد تا بی‌توجهی افراد را به حقوقی که در درازمدت از آن حق غفلت نموده‌اند به استناد و محمل قانونی مشخص که با اصول عقلی و منطقی نیز سازگاری کامل دارد موجب زوال ضمانت اجرای حق و حتی تعلق آن به شخص یا اشخاصی بدانیم که در درازمدت از آن حق بهره‌برداری نموده و موجبات بقای آن را فراهم ساخته‌اند. دو محمل مزبور عبارت‌اند از:

۱. اقدام ذیحق به زیان خویش؛

۲. کاهش ارزش ادله مثبتة حق.

وقتی شخص عاقل و صاحب اختیار کامل از امتیازی که به او تعلق دارد مدتهای طولانی استفاده نکند به‌ویژه که حق مورد بهره‌برداری دیگران نیز قرار گرفته باشد در درجه اول تردید باقی نمی‌ماند که ذیحق به زیان خویش عمل نموده و حتی را علاوه بر اینکه معطل گذارده دیگران را نیز به موقع از استفاده حق منع ننموده است، و در درجه دوم دلائلی که آن حق متکی بر آنهاست نیز کمرنگ شده و کارائی لازم را نخواهد داشت. گواهان بعیدالعهد و امارات و شواهد مضمحل و حرمت سوگند تضعیف و بالاخره ارزش اسناد مکتوب کمرنگ می‌گردد. همین دو عامل کافی است تا گذشت زمان را وسیله‌ای جهت زوال ضمانت اجرای حق به حساب آوریم و قانونگذار را محق در تدوین قوانینی بدانیم که مرور زمان را موجب سقوط حق دعوی بدانند.

همین دو عامل می‌تواند مستند سقوط یا ایجاد حق در اثر مرور زمان نیز باشد، عامل مؤثر دیگری نیز وجود دارد که پایه‌های حق سابق را سست می‌نماید. این عامل بر بنیاد فرضی قانونی استوار است، یعنی چنین فرض می‌شود که ذیحق از حق خویش اعراض نموده است. گویانکه فروض قانونی وقتی اعتبار می‌یابد که در متون موضوعه مورد پذیرش قانونگذار قرار گرفته باشد، اما این پذیرش ممکن است صریح یا حتی ضمنی باشد. زمانی که قانونگذار رابطه حقی را که مدتی استفاده از آن معطل مانده نسبت به ذیحق ضعیف تلقی نموده و حق اقامه دعوی جهت احقاق آن حق یا حق مطالبه آن را از ذیحق سلب می‌کند، بی‌شک بر پایه چنین فرضی عمل می‌نماید. برخلاف تصور بعضی محققین (۳۰) چنین اقدامی را از طرف قانونگذار نمی‌توان بر پایه امارات قانونی استوار کرد، زیرا امارات بر مرکب غلبه سوارند و در مسأله مرور زمان نمی‌توان صرف‌نظر کردن. ذیحق از حق خود را در مواردی که مدتی آن را معطل گذارده امری غالب و شایع تلقی نمود. مضافاً بر اینکه اگر زوال حق دارنده را به دلیل معطل گذاردن حق مبتنی بر اماره بدانیم، این اماره با اماره ید که دلیل اصلی متصرف جدید بر ذیحق بودن او محسوب می‌گردد تعارض نموده و هر دو ساقط می‌گردد. نتیجتاً متصرف فعلی نمی‌تواند به تصرفات خود استناد نموده و مدعی را در ادعای ذیحق بودن مجاب نماید.

۲. اقتضای ظاهر

یکی از ادله اثبات دعوی ظاهر است که در متون فقهی استناد به آن متداول ولی در متون قوانین جاری کمتر شایع است. معذک در ماده ۲۶۵ ق.م. به‌طور صریح به آن استناد شده است. (۳۱) ظواهر نیز چنین اقتضا دارد که هرگاه ذیحق برای مدتی طولانی استفاده از حق را معطل گذارد و دیگری آن را مورد بهره‌برداری قرار دهد رابطه آن حق نسبت به ذیحق اولیه کمرنگ و نسبت به متصرف فعلی پررنگ خواهد شد.

۳. قاعده لاضرر

را یکی از مبانی تأثیر مرور زمان محسوب داشته‌اند. با این استدلال که تکلیف افراد به حفظ اسناد مالکیت خویش برای مدتهای طولانی از یک طرف و بی‌توجهی به وضعیت جدید که به نفع فردی دیگر جریان دارد خساراتی به بار خواهد آورد که در این عبارت معروف فقهی می‌توان تجلی آن را یافت «لولا لید فلا یقی للمسلمین سوق»^۱ لذا باید به هدف جلوگیری از خسارات مزبور، مرور زمان را موجب سقوط حق سابق و حدوث حق جدید تلقی نمود.

مبانی نقلی یا فقهی مرور زمان

در فقه نسبت به مرور زمان و مشروعیت یا عدم مشروعیت آن دو دیدگاه مختلف وجود دارد. در دیدگاه نخست، مرور زمان به عنوان پدیده‌ای موثر در ایجاد یا زوال حق تلقی گردیده و مخالفی با موازین حقوق اسلام ندارد. در دیدگاه دوم، بر مرور زمان قلمرو حقوق اثری بار نمی‌گردد.

دیدگاه نخست

این دیدگاه بر دو دلیل محکم استوار است:

۱. روایات معتبره، اخبار متعددی بر اعتبار مرور زمان در قلمرو فقه دلالت دارد از

جمله:

یک. روایت سهل بن زیاد (۳۳)

کلینی (۳۴) با چند واسطه روایتی را از امام هفتم حضرت موسی بن جعفر (ع) نقل می‌کند با این عبارت «ان الارض لله تعالی جعلها وقفاً علی عبادہ فمن عطل ارضاً ثلاث سنین متوالیه لغير علة اخذت من یدہ و دفعت الی غیره و من ترک مطالبه حق له عشر سنین فلا حق له» طبق این روایت برای مرور زمان دوگونه تأثیر مقرر شده است:

الف. عاملی مؤثر جهت ایجاد حق انتزاع یا سلب مالکیت زمین به وسیله دولت. به

موجب عبارت اول این روایت «اراضی متعلق به خداوند است و او اراضی را جهت استفاده بندگان خود اختصاص داده است. هرگاه کسی زمینی را سه سال متوالی بلااستفاده رها کند، زمین از مالک اخذ و به دیگری سپرده می شود. این حکم تنها شامل اراضی می گردد.

ب. عاملی جهت سلب یا اسقاط حق به طور قهری

عبارت ذیل این روایت مقرر می دارد هرگاه کسی حق خود را که برگردن دیگری دارد یا حقی که به وسیله دیگری استفاده می شود به مدت ده سال (متوالی) مطالبه نکند، این حق ساقط می گردد. بنابراین جهت اسقاط حق، اعم از منقول یا غیر منقول، مرور زمان ده ساله لازم است.

دو. روایت علی بن ابراهیم

علی بن ابراهیم با چند واسطه روایتی را از امام ششم حضرت صادق (ع) نقل می کند با این عبارت «من اخذت منه ارض ثم مکث ثلاث سنین ان یطلبها لایحل له بعد ثلاث ان یطلبها.» (۳۵)

این روایت نیز در راستی مطلبی است که در بخش نخست روایت قبل متذکر شدیم. بدین معنا که در این روایت باز هم به تأثیر مرور زمان بر سلب حق مطالبه ملک که بیش از سه سال در تصرف دیگری قرار گرفته و مالک آن را مطالبه نکرده است، اشاره می شود. مدت مرور زمان در سلب حق مطالبه در مورد اراضی سه سال تعیین شده است، اما در این روایت اشاره ای به سلب حق مطالبه در سایر اموال نشده است.

۲. فتاوی فقهی

در راستای روایت فوق و تأیید تأثیر مرور زمان بر حقوق افراد، بعضی فقهای مشهور فتاوی روشنی در این خصوص دارند که به مواردی از این فتاوی اشاره می شود.

شیخ صدوق (۳۶) از ابن بابویه که پدر ایشان است نقل می کند که ایشان در مقام وصیت به من گفته است: «اعلم ان من ترک داراً او عقاراً او ارضاً فی ید غیره فلم یتکلم ولم یطلب ولم یخاصم من ذلک عشر فلاحق له» (۳۷)^۱ این فتوی نیز متخذ از عبارت ذیل روایت سهل

بن زیاد است که شرح آن گذشت. شیخ صدوق این وصیت را به عنوان فتوی نقل نموده و خود نیز بر همین نظر است.

در بین معاصرین از فقها، صاحب‌نظرانی هستند که بر مؤثر بودن مرور زمان در ایجاد یا زوال حق نظر موافق دارند و عمده دلیل آنان معقول بودن یا عقلانی بودن این امر است. از جمله فقیه معاصر آیه‌الله موسوی بجنوردی. ایشان معتقد است «ما وحشت نکنیم اگر دیدم قانون مرور زمان» یک حکم عقلانی است. حالا چه در مسائل کیفری اعم از تعقیب و رسیدگی یا مسائل حقوقی، بگوئیم اسلام حکمی ندارد. اینجا ما نیازی نداریم که اسلام بیاید یک روایتی بیان کند و بگوید من هم «مرور زمان» را قبول دارم. اگر پذیرفتیم تمام عقلا و تمام نظامهای حقوقی دنیا این مسأله را قبول دارند، باید آن را قبول کنیم، ولو اینکه اسلام در مورد این مسأله به عنوان تأیید مستقل نظری نداشته باشد.» (۳۸)

دیدگاه دوم

در این دیدگاه مرور زمان تأثیری در حقوق و تعهدات نداشته و مؤثر دانستن آن با موازین شرع مخالف است. دلایل مهمی که در اثبات این دیدگاه قابل عرضه است عبارت‌اند از:

۱. روایات. چندین روایت بر اعتبار این دیدگاه دلالت دارند. از جمله:

یک. روایت نبوی معروف «لا یبطل حق امره مسلم (و ان قدم)» (۳۹) یعنی حق یک مسلمان هیچگاه باطل یا بی اعتبار نمی‌شود ولو اینکه مدتی (استفاده از آن) معطل بماند.

دو. روایت منقول از حضرت علی (ع) به این عبارت:

الف. «الحق القدیم لا یبطله الشیء» (۴۰) یعنی حق اشخاص را ولو قدیمی باشد هیچ

عاملی از بین نمی‌برد.

ب. «الحق جدید و ان طالت علیه الایام و الباطل مخذول و ان نصره اقوام» (۴۱) یعنی

حق همواره تازه است، اگر چه روزگاران بر آن بگذرد و باطل رفتنی است، اگر چه عده‌ای آن را حمایت کنند. با اندکی تأمل می‌توان موضوع روایات اخیرالذکر را محل بر حقانیت

کلام یا ایدئولوژی مبتنی بر مکتب یا شریعت دانست.

۲. فتاوی فقها

در بین فقیهان و حقوقدانان اسلامی اعم از قدما و معاصرین کم نیستند کسانی که مرور زمان را در ایجاد یا اسقاط اصل حق و یا مطالبه آن بی تأثیر می دانند.

از قدما می توان شیخ طوسی را نام برد. ایشان در پاسخ به سؤالی که در مورد مردی که به مدت ۱۰ سال ملک خود (اعم از منقول یا غیرمنقول) را ترک کرده و آن را مطالبه نمی کند و اینکه آیا باز هم بر آن ملک حقیش باقی است؟ می گوید «عدم مطالبه به مدت طولانی مالکیت را باطل و دعوی را ساقط نمی نماید و برای اوست هر وقت که بخواهد آن را مطالبه کند.» (۴۲)

و در بین متأخرین امام خمینی است که در پاسخ به سؤالی بدین مضمون که آیا مرور زمان در ایجاد یا زوال حق شرعاً مؤثر است یا خیر؟ گفته اند مرور زمان اثری ندارد. (۴۳) فتاوی اخیرالذکر علاوه بر اتکاء به روایات پیش گفته بر قواعد و اصول دیگری نیز مبتنی است که اهم این اصول و قواعد عبارت اند از: اصل استصحاب، وضعیت سابق و قاعده فقهی «ان الحق لایسقط یتقادم الزمان.» (۴۴)

بی مناسبت نیست یادآور شویم بعضی فقهای اهل سنت نیز برای مرور زمان قائل به مشروعیت شده و مشروعیت آن را بر پایه دو قاعده استحسان و مصالح مرسله که در فقه عامه مقبولیت فراوان دارد مبتنی ساخته اند. (۴۵)

نتیجه

از شرح و تبیین مطالب اساسی و قابل توجه در مورد تأسیس «مرور زمان» در گذشته و حال بویژه بررسی روند مسائل مربوط به آن در دو دهه بعد از انقلاب و طرح نقطه نظرات فقهاء و حقوقدانان حول این مبحث مهم نتایج حاصل از این مباحث را می توان در چند مطلب زیر خلاصه نمود:

۱. در نظام حقوقی ایران

الف. دعاوی تجاری و بازرگانی؛

ب. دعاوی کیفری از نوع مجازاتهای بازدارنده؛

ج. دعاوی تجدیدنظر؛

د. دعاوی که یکی از طرفین آن فرد بیگانه است (مشروط بر اینکه در قوانین متبوع آن فرد مرور زمان پذیرفته باشد).

۲. در نظام حقوقی اسلام

الف. به شرحی که گذشت در تاریخ فقه اسلام پدیده مرور زمان سابقه طرح دارد، گو اینکه از فقهای امامیه ظاهراً تنها شیخ صدوق در خصوص تبیین این پدیده جد و جهدی مؤثر انجام داده و دیگران عمدتاً با اتکاء به اصل استصحاب کوشیده‌اند تا بقاء حق سابق را در زمان حال نیز جاری ساخته و از این طریق پاسخ مسائل باب مرور زمان را بدهند. اما اجتهاد درباره صحت و بطلان یک پدیده حقوقی با اجتهاد در وجود و عدم آن دو امر متفاوت است.

ب. ارتباط مستقیم پدیده مرور زمان با نظم عمومی ایجاب می‌کند این تأسیس حقوقی زمانی مطرح گردد که هیأت حاکمه وقت از اجرای آن حمایت نماید. لذا علت عدم طرح آن در فقه امامیه و عدم تعرض امامان (ع) شیعه به پدیده مزبور فراهم نبودن زمینه حکومت عدل برای آن بزرگواران بوده است. مقدمه روایت منقول از امام هفتم (ع) شیعه مؤید این مطلب است. عبارت نخستین روایت مزبور چنین است «ان الارض قد تعالی وقفا علی العباد» (۴۶)

با استقراء در مواردی که حقوق افراد مدتهای مدید معطل می‌ماند و موضوع حق در طول آن مدتها در اختیار و تصرف دیگری قرار می‌گیرد حکم عقل یا منطق آن است که حق را به همین دلیل (طولانی بودن زمان تعطیل) ساقط و آن را به نفع متصرف برقرار بدانیم. بدین توضیح که تصمیم دادگاهها نسبت به دعوایی که پس از گذشت مدتهای طولانی از ایجاد منشأ آن یا تصرف مدعی علیه بر مال دیگری از طرف مدعی مطرح می‌گردد، در اکثر قریب به اتفاق فروض چیزی جز پذیرش مرور زمان مسقط حق

یا اثبات ید غیرقانونی بر آن باشد. حال چنانچه مدت مدیدی از تصرف مدعی علیه گذشته باشد و مدعی در طول آن مدت در صدد خلع ید و باز پس گرفتن حق خود برنیامده و دعوایی طرح نکرده باشد، باید گفت مرور زمان تأثیرات مهمی در موجودیت حق یا روند دادرسی دارد که در فصول و بخشهای مختلف این مقاله در حد توان و اقتضا به شرح و بسط تأثیرات مذکور پرداخته‌ایم.

یادداشتها

۱. محمود آخوندی، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره ششم، زمستان ۱۳۷۱.
۲. ناصر کاتوزیان، نظریه عمومی تعهدات، نشر یلدا، تهران، چاپ اول، سال ۷۴، ص ۵۱۴.
3. "La Prescription est un moyen d'acquiescer ou de se libérer par un certain laps de temps , et sous les conditions déterminées par la loi."
۴. مهدی شهیدی، سقوط تعهدات، ناشر مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۶۸، چاپ اول، ص ۱۴۱.
۵. احمد متین دفتری، آیین دادرسی مدنی، ج ۳، چاپ انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۳۷، ص ۱۷ و ۱۸.
۶. مهدی شهیدی، سقوط تعهدات، ناشر: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران ۱۳۶۸، چاپ اول، ص ۱۳۹.
۷. همان، ص ۱۳۹.
۸. همان، ص ۱۴۰.
۹. برای شناخت دقیق مبانی نظریه تعهد طبیعی رجوع کنید به نظریه عمومی تعهدات، کاتوزیان، ص ۴۷۷ به بعد.
۱۰. ماده ۲۶۶ قانون مدنی ایران.
۱۱. مصطفی عدل، حقوق مدنی، ص ۱۹۳؛ صبحی محمصانی، النظرية العامة للموجبات و العقود، ترجمه جمال‌الدین جمالی، ج ۲، ص ۲۹۹.
۱۲. برخی از مؤلفین حقوق اسلامی همانند دکتر صبحی محمصانی در «النظرية العامة للموجبات والعقود» پنداشته‌اند که مرور زمان به کیفیتی که در حقوق اروپایی است در حقوق اسلام اساساً نیست و تنها موردی که در فقه سابقه دارد در فقه حنفی و مالکی است که مرور زمان را در عدم پذیرش دعوی در محکمه مؤثر دانسته‌اند. (همان، ص ۲۹۹).

حکم قضات و حکام شرع مؤکد و مسجل گشته، بعد از مدتی مدید آن ملک به ناقلی شرعی از وی به غیرمنتقل شده و از آن به گیری دیگر و «علم جراً» و آن حجتها در خانه مالک اول مانده و به دست چند وارث گذشته بعد از مدتی متداول و عهدی متکامل یکی از وارثان فرصت جوی آن حجتها بیرون می آورد و بدان احتجاج می کند که در فلان تاریخ ملک جد من بوده است و امروز به حکم ارث به من می رسد و جمعی به تحمل از جمعی دیگر بر صحت استحقاق او به طریق ارث گواهی می دهند. منازعات و مقالات میان ایشان به تطویل می انجامد و بعضی از قضات در بعضی از ولایات که در دیانت و تقوی و علم فقه و فتوی قدمی راسخ و نصابی کامل نداشته باشند، بغور حال نارسیده و حق از باطل تمیز ناکرده، ممکن حکمی کنند که مستلزم ذهاب حقوق مستحقان باشد. بنابراین مقدمات، و آنکه پیش از این سلاطین ماضی و خلفای ماتقدم برای احتراز از امثال این احتمالات حکم کرده اند که دعاوی که بعد از سی سال که آن را در عرف یک قرن می خوانند در املاک و اسباب مسموع و مقبول ندارند و اعتبار نهند و چون در این باب رجوع با تأویل ائمه و اجتهادات علما کرده چنان معلوم شد که جمعی صغیر و جمعی کثیر از ائمه و علمای متأخر اتفاق و اطباق کرده اند بر آن چه که اگر دو شخصی در یک موضع باشند و یکی متصرف ضیاعی (ملکی) مبین باشد و در آن موضع حاکمی عادل و قاضی نافذ الحکم حاضر و مانع و وازعی دیگر از دعوی اظهار استحقاق ظاهراً موجود نه و مدت سی سال کامل بگذرد و یکی از ایشان بر دیگری که صاحب ید و متصرف باشد دعوی نکند بعد از آن متمکن آن دعوی نباشد و قاضی آن دعوی را مسموع و مقبول ندارد و التفات ننماید.....» خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی، جامع التواریخ، به کوشش دکتر بهمن کریمی، ج ۲، انتشارات اقبال، ۱۳۳۸، ص ۱۰۰۹ و ۱۰۱۰.

۱۴. نقل از رساله قانون مرور زمان از نظر فقهای اسلامی به قلم عبدالصاحب صفایی و به همین مضامین ر.ک. خواجه رشیدالدین فضل الله، جامع التواریخ، ج ۲، انتشارات اقبال، ۱۳۳۸، ص ۱۰۰۵ تا ۱۰۰۸.

۱۵. محیط طباطبایی، دادگستری در ایران در دوره اسلامی، ص ۲۳.

۱۶. لازم به ذکر است که پدیده مرور زمان در قوانین قبل از ۱۳۰۶ در نظم حقوقی ایران مطرح شده از جمله تصویبنامه مورخ ۱۳۳۴ ه.ق. هیأت دولت وقت و یا قانون تجارت ۱۳۰۳ ه.ش. ولی در این قوانین از اصطلاح مرور زمان استفاده نشده است.

۱۷. احمد متین دفتری، آیین دادرسی مدنی، ج ۳، چاپ انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۳۷، ص ۲۶.

۱۸. درخصوص حدود صلاحیت شورای نگهبان در اظهارنظر نسبت به قوانین سابق و مصوبات مجلس شورای ملی و سایر نهادهای قانونگذاری قبل از انقلاب، اختلاف نظرهای فراوانی وجود

- برجسته طرح و تبیین شده است بفرمایند (از جمله مقاله سیدمحمد خامنه‌ای، مجله قانون و کلاه، شماره ۴ جدید، کاتوزیان، مقدمه علم حقوق، چاپ ۱۷، شماره ۱۴۱).
۱۹. با وجود نظریه صریح مذکور اظهار نظر بعضی از نویسندگان در مورد مرور زمان کیفری و انطباق مورد بحث با نظریه شورای نگهبان پیرامون ماده ۷۳۱ آیین دادرسی مدنی سالبه به انتفای موضوع است. (ر.ک. محمود آخوند، آیین دادرسی مدنی، ج ۱، ص ۶۸ و مقاله ایشان در مجله حقوقی و قضایی دادگستری - همچنین رجوع کنید به مقاله عیسی کشوری در همان نشریه شماره ۸، ص ۱۳۲).
۲۰. مجموعه نظریات شورای نگهبان، ج ۳، ص ۱۸۳.
۲۱. مجموعه نظریات شورای نگهبان، ج ۳، ص ۲۳۴.
۲۲. مجموعه نظریات شورای نگهبان، ج ۳، ص ۲۳۴.
۲۳. نظریه شماره ۷/۲۹۹۱ مورخه ۱۲/۶/۷۴ اداره حقوقی دادگستری، مجموعه نظریات... و همچنین نظریه مورخه ۲۶/۱۰/۱۳۶۶ کمیسیون قوانین جزائی اداره حقوقی.
۲۴. مجموعه نظریات شورای نگهبان، ج ۳، ص ۲۳۱؛ روزنامه رسمی ۱۱۵۰۲ مورخه ۳/۶/۱۳۶۳.
۲۵. همان، ص ۲۳۵.
۲۶. موازین قضایی از دیدگاه امام خمینی، ص ۴۲، سؤال ۶.
۲۷. مجموعه نظریات شورای نگهبان، ج ۳، ص ۱۸۳.
۲۸. دو نظریه مزبور عبارت‌اند از: ۱. نظریه شماره ۵۷۳۶ مورخه ۱۷/۷/۶۱ که مقرر می‌دارد: «... به خاطر حفظ نظام و جلوگیری از تخلفات و احقاق حقوق مردم، اجراء سایر قوانین مادام که مخالفت آن با موازین اسلامی اعلام نگردیده موقتاً بلامانع است... بدیهی است که کمیسیون امور قضائی مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان در اسرع وقت ممکن قوانین سابق را بررسی و با تصویب نهائی جهت ابلاغ و اجراء اعلام خواهد شد. ۲. نظریه شماره ۶۷۸۲ مورخه ۲۹/۹/۶۱ که مقرر می‌دارد «... به نظر اکثریت فقهای شورای نگهبان در مواردی که قانون به موجب صریح فتاوی رهبر معظم انقلاب حضرت امام خمینی مدظله طبق تحریرالوسیله و توضیح المسائل مغایر با شرع است، عمل به آن قانون جایز نیست.» مفهوم مخالفت این نظریه اقتضا دارد که اصل، عمل به قانون است مگر خلاف آن ثابت شود و مفهوم موافق این نظریه، اینکه مطابقت فتاوی تحریرالوسیله و توضیح المسائل حضرت امام (قدس سره) با قوانین مورد عمل کافی است.»
۲۹. عیسی کشوری، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۸، ص ۱۷۱-۱۷۰ (عبارت نویسنده با تغییر جزئی نقل شده است).

۳۱. در این ماده آمده است: «هرکس مالی به دیگری می‌دهد ظاهر در عدم تبرع است.....» کلمه ظاهر در این ماده در معنای اماره و همچنین فرض قانونی و یا حتی به عنوان دلیلی مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. آنچه بدیهی است اینکه ظاهر در عبارت ماده به عنوان وسیله‌ای جهت اثبات حق یا تکلیف به کار رفته است.
۳۲. موسوی بجنوردی، مجله رهنمون، ج ۴ و ۵، ص ۳۴۵.
۳۳. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، باب احیاء موات، ص ۳۴۵.
۳۴. محمدبن یعقوب کلینی، از فقهاء و محدثین قرن سوم هجری است که دوران حیات او زمان شروع غیبت کبری فاصله چندانی ندارد.
۳۵. وسائل الشیعه، ج ۱۷، باب احیاء موات، باب ۱۷، ص ۳۴۵.
۳۶. المقنع باب المكاسب التجارات، ص ۳۱ و ۱۲۳.
۳۷. معنای عبارت مذکور چنین است: «بدان اگر کسی خانه یا ملک یا زمینی را که در دست دیگری است مطالبه نکند و یا صحبتی به میان نیاورد و یا طرح دعوائی ننماید تا ده سال بگذرد دیگر بر آن مال حقی ندارد.»
۳۸. موسوی بجنوردی، مجله رهنمون، ش ۴ و ۵، ص ۳-۱۵۲.
۳۹. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، چاپ مکتب اسلامی، تهران ۱۳۶۷، ص ۲۴۹.
۴۰. نهج البلاغه، ج ۱، ص ۴۶.
۴۱. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۴۵ نقل از نهج البلاغه محمدبن الحسین الرضی، چاپ مکتب الاسلامیه، نوبت ششم ۱۳۶۷.
۴۲. شیخ طوسی، المسائل الحائریات مندرج در الوسائل العشر، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ص ۱۹۵.
۴۳. حسین کریمی، موازین قضایی از دیدگاه امام خمینی، ناشر: انتشارات شکوری، قم، سال ۱۳۶۵، ص ۲۴۳.
۴۴. این قاعده فقهی از حدیث پیش گفته منتسب به حضرت علی (ع) استخراج گردیده است.
۴۵. در خصوص مفهوم دو قاعده مذکور و کیفیت کاربرد این دو قاعده در مشروعیت مرور زمان ر.ک. شیخ زین العابدین بن ابراهیم بن نجیم، الاشیاء والنظایر، چاپ قاهره، سال ۱۹۶۸، ص ۲۲۲ به بعد.
۴۶. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، چاپ مکتب اسلامی، تهران ۱۳۶۷، ص ۳۴۵. روایت مذکور ملهم از متن آیه ۱۰۵ از سوره نساء است که می‌فرماید: «ان الارض یرثها عبادی الصالحین»